

بهبود شیوهی بازداشت موقت؛

اندیشه‌های بهنجار ساز در قلب نظام قضایی

بخش اول

مؤلف: ایوب میلکی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

مقدمه

توقیف احتیاطی یا قرار بازداشت متهم، مهمترین تأمین جزایی است که قانون اعمال آن را تحت ضوابط و شرایطی در اختیار قضات کیفری قرار داده است. اگرچه این نوع تأمین وسیله‌ای ضروری در رسیدگی به امر کیفری است؛ با این حال، افراط و استفاده‌ی بی‌رویه از آن، به خصوص بدون رعایت ضوابط قانونی، اقدامی است که مضر بر ضد منافع عمومی و تحدید آزادی‌های فردی، بازداشت موقت به لحاظ اهمیت بسیار زیاد آن همیشه مورد بحث حقوقدانان و متخصصان در امر کیفری قرار گرفته است و از دیر زمان، قواعد و مقررات آن در آیین دادرسی کیفری تغییر و تحول یافته و امروزه کوشش بر این است که ضمن محدود کردن موارد اعمال و مدت قرار بازداشت، صدور آن را منوط به رعایت شرایط و ضوابط معین و دقیق‌تری قرار دهند تا با پذیرش اعتراض متهم و رسیدگی به آن در مرجع صلاحیت‌دار، حقوق دفاعی او به نحو مطلوب تضمین شود و خسارات ناشی از بازداشت‌های نادرست و یا غیرقانونی و همچنین بازداشت‌هایی که در صدور آنها ضوابط قانونی رعایت ولی تعقیب کیفری در نهایت به قرار منع تعقیب یا برائت متهم منتهی شده است، تأمین و جبران شود.

بر کسی پوشیده نیست که در وضعیت فعلی بخش اعظمی از ورودی‌های زندان‌های کشور را متهمان تحت قرار بازداشت تشکیل می‌دهند. گزارش اخیر رئیس محترم سازمان زندان‌ها در جلسه‌ی مسؤلان قضایی مبنی بر اینکه ۴۰ درصد از افراد زندانی، تحت قرارهای قضایی می‌باشند و هنوز محکومیت قضایی پیدا نکرده‌اند، بار دیگر اعلام هشدار برای زعمای قضایی و واضعان سیاست‌های کلان تقنینی و قضایی بوده است تا با تکیه بر رهنمودهای دلسوزانه و مترقی حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی و با وصف تأکیدها و توصیه‌های مکرر ایشان بر لزوم رعایت حقوق شهروندی و حفظ کرامت انسانی باهدف تعدیل جمعیت کیفری زندان‌ها و کاهش تعداد افراد تحت قرار و به علاوه، طرح تفکر «تفکیک و جداسازی زندانیان تحت قرار بازداشت از مجوسان حرفه‌ای و سابقه‌دار»، عزم خود را پیش از گذشته به منظور مقابله با بحران انباشت جمعیت کیفری زندان‌ها جزم کنند.

در این باره، ریاست محترم قوهی قضاییه، اجرای اصلاحات جدی در قوانین حبس‌زا، نظارت بیشتر قضایی در دادگستری‌ها، فرهنگ‌سازی‌های جدید در بین قضات و اصلاحات عمیق در آیین دادرسی کیفری را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در کاهش آمار ورودی زندانیان تحت قرار قلمداد کرده‌اند. ضمن این‌که، ایشان در نشست اخیر مسؤلان عالی قضایی بار دیگر، با طرح اندیشه‌های نوگرایانه و بدیع زمینه و ضرورت مطالعه و کارشناسی بیشتر را پیرامون ابعاد، پیامدها و آثار منفی و مثبت آن فراهم آوردند و نمادی از سیاست‌های توسعه‌ی قضایی را به نمایش گذاشتند. رئیس محترم قوهی قضاییه از وضعیت موجود و حاکم بر دستگاه قضایی نگرانند و لذا اعتقاد دارند که در قالب طرح و برنامه‌های جامع و کارشناسانه، باید مکان‌های نگهداری افراد تحت قرارهای قضایی را که در بازداشت به سر می‌برند، از زندانیان و مجرمان حرفه‌ای متفاوت بوده و این دسته از افراد در مکان‌هایی کاملاً مجزا از زندان و با وضعیتی مناسب نگهداری شوند. به زعم ایشان باید برای شخصیت، حرمت و کرامت انسان‌های شریف احترام قایل بود و نباید اجازه داد که برخی قدرت‌ها و اختیارهای قانونی تعریف شده برای کارکنان قضایی، مورد سوءاستفاده سلیقه‌ای و فردی در صدور قرارهای منجر به بازداشت قرار گیرد و در این زمینه، بازنگری جدی در قوانین و روش‌های مرسوم و نظارت دقیق در جریان صدور قرارهای بازداشت موقت را از اولویت‌های سیاست‌های جدید دستگاه قضایی برای کاهش آمار زندانیان برشمرده‌اند.

به هر حال، طرح مزبور اکنون در مراحل اولیه‌ی تکوین و شکل‌گیری قرار دارد و لزوم بررسی‌ها و گردآوری اطلاعات جامع و مانع پیرامون ابعاد مختلف حقوقی، اجتماعی و قضایی این مسأله را باید ضروری دانست. در این گزارش مختصر سعی بر آن است تا به طرح و بررسی این موضوع پردازیم و در حد بضاعت، پیشنهادها و راهکارهای چندی را مطرح و مورد ارزیابی قرار دهیم:

۱- تعریف، اقسام، شرایط، علل، محاسن و معایب بازداشت موقت
 ۱-۱- تعریف بازداشت موقت
 از لحاظ لغوی، توقیف یا بازداشت به معنای ایستاندن، نگاه داشتن، ضبط کردن، بازداشت کردن و بازداشتن آمده است. از لحاظ اصطلاحی، بازداشت را عمل مادی دستگیری شخص و جلوگیری از

ادامه‌ی طریق و محروم ساختن او از اختیار رفتن و آمدن است در مدت به نوبه کوتاه. در (ترمینولوژی) حقوق نیز از توقیف (بازداشت) چنین تعریف شده است: «سلب آزادی از شخص با حالت انتظار ترخیص». از لحاظ حقوقی، توقیف احتیاطی یا بازداشت به مفهوم نگهداری و تحدید آزادی‌های متهم در تمام یا قسمتی از مرحله‌ی دادرسی قبل از

صدور حکم محکومیت می‌باشد. این تعریف به روشنی بیانگر تفاوت‌های آشکار بین بازداشت و حبس می‌باشد. به عبارتی، هر چند در فرآیند بازداشت و حبس وصف سلب آزادی تن و محدودیت ورود و خروج مشهود و ملموس است، با وجود این، این دو از چندین جهت متفاوتند:

-توقیف، مقدم بر حبس است و ممکن است به حبس منجر شود یا نشود.

-مدت توقیف، معمولاً و نسبتاً کوتاهتر از مدت حبس است. در توقیف، شخص بازداشت شده بلا تکلیف و در حال انتظار است، ولی در باری محبوس از پیش تعیین تکلیف شده است.

-توقیف شامل متهم و مظنون به ارتکاب جرم است، اما حبس برای محکوم می‌باشد.

-محل حبس محکم‌تر و مضبوط‌تر از محل بازداشت می‌باشد، ولی توقیف بیشتر به صورت دستگیری و در محلی تحت مراقبت و محافظت قرار دادن است.

۱-۲-۱- اقسام بازداشت موقت

بازداشت موقت حسب مورد ممکن است الزامی یا اختیاری باشد. در بعضی موارد قانونگذار، موارد بازداشت را تعیین نموده و به قاضی اجازه داده است در صورت ضرورت قرار بازداشت موقت متهم را اصرار کند. ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب در همین مورد وضع و در موارد خاصی مقرر می‌دارد: هر گاه قراین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت جایز است. گاهی اوقات، قانونگذار موارد بازداشت را به نحو حصری بیان داشته و قاضی را مکلف می‌کند با جمع سایر قراین متهم را بازداشت کند و جالب این‌که تصریح شده است چنین قراری تا صدور حکم بدوی ادامه خواهد یافت مشروط به اینکه مدت آن دست‌کم از مدت مجازات مقرر قانونی جرم ارتكابی تجاوز نکند.

ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی انقلاب به مبحث بازداشت موقت اجباری اختصاص یافته است.

۱-۳-۱- شرایط و اوصاف بازداشت موقت

صدور قرار بازداشت موقت یا توقیف احتیاطی موقوف به حصول دلایلی است که بهترین آنها عبارتند از:

-قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید؛ در غیر این صورت، صدور قرار بازداشت جایز نیست (ماده ۳۲) -جرایم کوچک و کم اهمیت تا حد امکان نباید منجر به صدور قرار بازداشت شوند.

-قرار بازداشت موقت باید توسط قاضی دادگاه و مرجع صالح قضایی صادر شود؛ لذا ضابطان دادگستری حق صدور قرار بازداشت متهم را ندارند و فقط می‌توانند تا ۲۴ ساعت متهم را نگاه‌داری و تحویل مراجع قضایی دهند (مواد ۱۹ و ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری)

-قرار بازداشت در موردی جایز است که آزادی متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرح شده یا باعث تبانی با سایر متهمان یا شهود واقع شود و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع ورزند.

-در مواردی که بیم فرار متهم یا مخفی شدن وی باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری کرد، بازداشت جایز است.

-در حقوق الناس جواز بازداشت متهم منوط به تقاضای شاکی است. (ماده ۳۶ ق.آ.د.ک)

-کلیه قرارهای بازداشت موقت باید مستدل و موجه باشد و مستند

قانونی و دلایل آن و حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود. (ماده ۳۷ ق.آ.د.ک)

-مدت بازداشت موقت باید کوتاه و تحت ضوابط معین انجام پذیرد. -صدور قرار بازداشت موقت منوط به تفهیم اتهام است. (ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ک)

-بازداشت باید با اهمیت جرم، شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و سایر اوصاف شخصیتی متهم متناسب باشد. (ماده ۱۳۴ ق.آ.د.ک)

-در صورت صدور قرار منع تعقیب، یا موقوفی تعقیب یا برائت متهم، قرار بازداشت موقت ملغی الاثر می‌شود.

-قرار تأمین باید، به متهم ابلاغ شود و در صورتی که منتهی به بازداشت شد، نوع قرار باید در برگ اعزام درج شود.

-قرار بازداشت قابل اعتراض است و صادر کننده‌ی قرار مکلف است قابل اعتراض بودن آن را به متهم تفهیم و در پرونده قید کند.

۱-۴-۱- معایب بازداشت موقت

۱-۴-۱-۱- تعارض با اصل برائت؛ زیرا فرض بر بی‌گناهی متهم است و متهمی که مجرم بودن او ثابت نشده باشد، نباید بازداشت شود و از این حیث، بازداشت موقت نوعی قصاص پیش از جنایت تلقی می‌شود.

۱-۴-۱-۲- تعارض با حق دفاع؛ متهمی که در بازداشت به سر می‌برد از کمترین حقوق و تضمین‌های دفاعی نیز برای اثبات بی‌گناهی خود برخوردار نیست. از یک سو، او قادر به جمع‌آوری دلایل لازم و ازبایه آنها به محضر دادگاه نمی‌باشد، و از سوی دیگر، امکان مشاوره و استفاده از خدمات وکیل مدافع به راحتی برای او مسیر نیست.

۱-۴-۱-۳- تأثیر منفی در سرنوشت محاکمه؛ تحقیقات ثابت می‌کند متهمانی که توقیف نمی‌شوند به طور یقین از گذشت قضات در خصوص تخفیف مجازات و یا از فرصت اعطای تعلیق و حتی تبرئه شدن برخوردارند. تحقیقاتی که در کشورهای آمریکا و انگلیس و فرانسه صورت گرفته است نشان می‌دهد مراجع قضایی هنگام محاکمه متهمانی که در بازداشت نبوده‌اند، در صدور حکم محکومیت آنان تردید می‌کنند و در صورت محکومیت نیز، از تأسیسات حقوقی مانند تعلیق مجازات در حق آنان استفاده می‌کنند. حال آنکه در مورد متهمان بازداشتی، ذهنیت و نگرش قضات عموماً مجرمانه است و این امر در تعیین سرنوشت محاکمه‌ی آنان نقش به‌سزایی دارد.

۱-۴-۱-۴- ناسازگاری با نهادهای حقوقی؛ بازداشت موقت با پاره‌ای از نهادهای حقوقی مانند تعلیق مراقبتی که با توجه به سیاست نوین جنایی از حره‌های موثر مبارزه با مجرمیت‌اند، ناسازگار است. به عبارتی، تعلیق مجازات متهمی که قبلاً بازداشت شده‌اند، مطلقاً فاقد اثر مطلوبیست که مدنظر است، و نمی‌تواند از تکرار جرم آنان جلوگیری کند؛ همان‌گونه که، قضات محاکم نیز در خصوص چنین متهمانی تمایلی به استفاده از نهاد تعلیق نشان نمی‌دهند.

۱-۴-۱-۵- جرم‌زایی ناشی از همنشینی و معاشرت با زندانیان حرفه‌ای؛ متهمانی که به موجب صدور قرار بازداشت موقت وارد زندان می‌شوند به دلیل مؤانست و معاشرت با مجبوسان سابقه‌دار و حرفه‌ای، تحت تأثیر قرار می‌گیرند و به محض آزادی به سمت ارتکاب جرم گرایش پیدا می‌کنند. جالب اینجاست که بسیاری از این متهمان در نهایت تبرئه و بی‌گناه شناخته می‌شوند، اما فرآیند بازداشت آثار منفی خود را بر آنان به جای می‌گذارد.

۱-۴-۱-۶- عفرو ریختن ترس از زندان؛ ترس از زندان، از آن نوع عوامل

مهمی است که در احساس بسیاری از مجرمان اتفاقی باعث جلوگیری از سقوط مجدد در ورطه‌ی مجرمیت و تکرار جرم خواهد شد. اما این ترس بر اثر توقیف احتیاطی نه فقط فرو می‌ریزد، بلکه خاصیت اربابی و بازدارندگی خود را نیز از دست می‌دهد.

۷-۴-۱- نبود امکان اعاده‌ی حیثیت و جبران خسارت؛ بازداشت موقت در مورد متهمانی که پس از چندین ماه انتظار سرانجام نبره می‌شوند، راهکار مناسبی برای جبران خسارات وارده بر آنان ارایه نمی‌دهد، از این حیث به خصوص در قوانین داخلی با خلا و اشکال جدی مواجهیم.

۸-۴-۱- تحمیل هزینه‌های گزاف مالی و انسانی؛ بخش قابل توجهی از هزینه‌های مربوط به دستگاه عدالت کیفری صرف نگاه‌داری از متهمان بازداشتی می‌شود و سرمایه‌های انسانی و مالی بسیاری را به هدر می‌دهد و در واقع هیچ نوع هدف غایی را دنبال نمی‌کند.

۹-۴-۱- مغایرت با هدف‌های اصلاحی و بازپذیری؛ بر فرض که برای مجازات زندان؛ خاصیت و هدف اصلاحی و بازپرورانه قابل باشیم، متهمان تحت قرار بازداشت به لحاظ اثبات نشدن مجرمیت و احتمال قوی تیرنه شدنشان، نمی‌توانند تحت برنامه‌های اصلاحی و درمانی قرار بگیرند و اصولاً تدارک چنین برنامه‌هایی برای آنان با هیچ یک از هدف‌های مجازات که فقط درباره‌ی محکومان قابل اجراست، تناسب و سازگاری ندارد.

۱۰-۴-۱- از هم گسیختگی خانواده‌ی متهم و از دست دادن شغل و حرفه؛ بازداشت موقت در عمده موارد موجب فروپاشی بنیان خانواده و به بهای از دست دادن شغل و حرفه‌ی متهمان منجر می‌شود و این خود از پیامدهای جبران‌ناپذیر این قرار به حساب می‌آید.

۱۱-۴-۱- هتک حقوق شهروندی و کرامت انسانی؛ قرار تأمین بازداشت موقت با تحدید حقوق و آزادی‌های فردی متهمان بی‌گناه، حرمت و حیثیت انسانی آنان را مورد خدشه قرار می‌دهد و امکان بازگشت شرافتمندانه‌ی آنها را به آغوش جامعه سلب می‌کند و در عمل چنین افرادی پس از ترخیص، از جامعه و جریان‌های اجتماعی نیز به طور کامل طرد می‌شوند و موقعیت و پایگاه اجتماعی و خانوادگی‌شان به شدت تنزل می‌کند.

۱۲-۴-۱- آثار روحی و روانی منفی؛ نیاز به تأکید یا استدلال چندانی نیست که بازداشت موقت بخصوص در مورد متهمان بی‌گناه، آثار روحی و روانی نامطلوبی بر جای می‌گذارد و آنان را دچار اقسام بیماری‌های روحی و روانی همچو افسردگی، اضطراب، تشویش و پریشانی خاطر می‌سازد و میل به بزهکاری را در وجودشان تشدید می‌کند.

۱۳-۴-۱- اشکال در احتساب ایام بازداشت قبلی؛ در مواردی که بازداشت موقت در نهایت منجر به صدور حکم محکومیت یا بی‌گناهی متهم می‌شود، احتساب ایام بازداشت قبلی با مشکل جدی مواجه می‌شود زیرا در حالت اول مشخص نیست که آیا مجازات مقرر در حکم دادگاه لزوماً زندان است تا بر مبنای آن بتوان ایام بازداشت را بر اساس ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌ی ماده‌ی ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری از مدت حبس او کسر کرد؟! و اگر مجازات مقرر در حکم شلاق و جزای نقدی باشد، آیا به درستی امکان احتساب وجود دارد؟ آیا برای جبران خسارت‌هایی که وارده بر شخص وارد آمده است راهی باقی می‌ماند؟ اگر متهم در نهایت تیرنه شد، تکلیف چیست؟ دستگاه عدالت قضایی چه تمهیداتی برای رفع اثر و جبران

خسارت‌های وارده به چنین متهمی می‌اندیشد؟ ملاحظه می‌نمایم که این اشکال همچنان به قوت خود باقی است.

۵-۱- محاسن بازداشت موقت

۱-۵-۱- جلوگیری از فرار متهمان حرفه‌ای و سابقه دار و مجرمان احتمالی

۲-۵-۱- جلوگیری از امحای آثار جرم و حفظ دلایل و مدارک مربوط

۳-۵-۱- جلوگیری از مواجهه‌ی متهمان با گواهان، شرکا و معاونان جرم

۴-۵-۱- پیشگیری موقت از تکرار جرم

۵-۵-۱- افزایش احساس امنیت و آرامش اجتماعی

۶-۱- علل افزایش بازداشت موقت

همانگونه که اشاره شد، بازداشت موقت از جمله عوامل مهم افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها تلقی می‌شود و بخش قابل ملاحظه‌ای از آمار ورودی زندانیان کشور را متهمان تحت قرار بازداشت تشکیل می‌دهند.

۱-۶-۱- ضعف در قوانین شکلی

قوانین دادرسی فعلی ما، به وضوح یکی از عوامل مهم افزایش جمعیت کیفری زندانیان تحت قرار می‌باشد. در مواد مختلفی از قانون آیین کیفری به ویژه در مواد ۳۲، ۳۵، ۳۲ و ... قانونگذار علاوه بر آنکه اختیارات موسع و گسترده‌ای را به منظور صدور قرار بازداشت به قضات دادگاه‌ها تفویض کرده است، بلکه مخصوصاً به حکم صریح ماده‌ی ۲۵ آنان را مکلف و ملزم به صدور قرار تأمین مزبور ساخته است و حتی در پاره‌ای موارد به آنان اختیار داده است تا متهم را تا پایان مرحله‌ی تحقیقات و صدور حکم بدوی در بازداشت نگه دارند. بدیهی است، چنین رویکرد نامطلوبی نوعی تهدید تقنینی جدی برای حقوق و آزادی‌های فردی متهمان و تضمینات لازم به منظور بهره‌مندی آنان از مزایای یک دادرسی عادلانه به شمار می‌آید. قانونگذار از این حد نیز فراتر رفته و به قضات محاکم اختیار داده است که در پایان هر ماه قرار توقیف احتیاطی را تجدید کنند (ماده‌ی ۳۷) و جالب‌تر این‌که به متهم فقط اجازه داده شده است که در پایان هر ماه آن هم با شرایط محدود اعتراض کند.

بنابراین، اعتقاد بر آن است که ضعف و ناکارآمدی قوانین دادرسی عاملی مهم در صدور بی‌رویه قرارهای بازداشت موقت و افزایش آمار ورودی به زندان‌ها محسوب می‌گردد.

۲-۶-۱- ضعف در قوانین ماهوی

در بسیاری از قوانین و مقررات جزایی اعم از قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین متفرقه و خاص، صدور قرار بازداشت موقت به مثابه الزامی قانونی یا اختیار قضایی پیش‌بینی و مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است. قدر مسلم، چنین قوانینی را نیز باید در زمره‌ی قوانین حبس‌زا و مولد تورم جمعیت کیفری به شمار آورد. قوانین مربوط به محکومیت‌ها یا مدیونیت‌های مالی از آن جمله‌اند.

۳-۶-۱- سنگرش و تفکر حاکم بر تصمیم‌گیری قضات

قضات به طور معمول خود را مجری و محافظ قانون می‌پندارند و اغلب برای راحتی و تسهیل در امور و بدون انگیزه‌یابی و شناخت دقیق اوصاف شخصیتی و خصوصیات فردی و اجتماعی متهمان، اقدام به صدور قرار بازداشت می‌کنند و بر تجدید و استمرار آن نیز اصرار می‌ورزند؛ گویی فراموش می‌کنند انسانی بی‌گناه و دردمند که فریاد تظلم خواهی و براتش در قفسه‌های بایگان‌های قضایی به دست نسیان/



فراموشی سپرده شده است، نیازمند حس ترجم، گذشت و عدالت جویی می‌باشد و خانواده‌اش نگران و مضطرب حال وی هستند. هر چند قصد آن نداریم ذهنیت برخی قضات را عامل مطلق بدانیم و بر آن تأکید ورزیم، اما نباید به راحتی از کنار این علت بگذریم.

۴-۶-۱- ناتوانی در تودیع وثیقه و معرفی کفیل عامل فوق‌رانیز باید یکی دیگر از عوامل مهم افزایش قرارهای بازداشت به شمار آورد. در اغلب موارد، مشاهده می‌نماییم که متهمانی که به دلایل مختلف از جمله پایان وقت اداری، شیوه‌های رایج اداری کاغد بازی، ناتوانی مالی هر چند به طور موقت و عدم امکان معرفی کفیل، قادر به جلب رضایت محکمه نمی‌شوند، در آخر با صدور قرار بازداشت موقت روانه زندان می‌شوند.

مقدمه

۲- اهمیت، ضرورت و محدودیت‌های طرح تفکیک و جداسازی زندانیان محکوم از متهمان بازداشتی و ایجاد بازداشتگاه‌های جدید

۲-۱- طرح و ضرورت بحث

امروزه بازداشت موقت نه فقط از لحاظ مقررات آیین دادرسی کیفری تابع قواعد ویژه‌ای است که رعایت آنها الزامی می‌باشد، بلکه، شیوهی زندان متهمان تحت قرار بازداشت موقت نیز تحت تأثیر اندیشه‌های نوظهور کیفرشناسی و آموزه‌های علوم مختلف جنایی متحول شده است و بدین ترتیب در قواعد مربوط به علم زندانبانی بخش خاصی به آن اختصاص دارد.

قانونگذار کشور ما نیز به این تحول و دگرگونی مهم بی‌توجه نبوده است و در خصوص نگاه‌داری زندانیان تحت قرار، تمهیدها و پیش‌بینی‌های چندینی را نموده است که البته به دلیل ضعف در امکانات آموزشی، بهداشتی، درمانی و کمبود فضای لازم برای نگاه‌داری و تفکیک متهمان از زندانیان، چندان توفیقی در هدایت و سامان‌دهی این فرآیند نیافته است.

آیین‌نامه‌ی اجرایی جدید سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۸۴/۹/۲۰ رییس قوه قضاییه را باید گامی به سوی پیشرفت دانست. این آیین‌نامه مشتمل بر ۲۴۷ ماده و ۱۰۸ تبصره در موارد مختلف و از جهات گوناگون بر ضرورت حفظ حقوق متهمان و محکومان و رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی آنان تأکید دارد و از این حیث در صورتی که بسترها و زمینه‌های اجرایی آن به نحو اکمل و احسن فراهم آید، قادر خواهد بود تحولات شگرف و قابل توجهی را در نظام زندانبانی کشور فراهم آورد.

در موارد مختلفی از آیین‌نامه‌ی جدید، طرح تأسیس، احداث و اداره‌ی کلیه‌ی مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان‌ها و بزه بازداشتگاهی‌ها به طور انحصاری در اختیار سازمان زندان‌ها می‌باشد. (مواد ۱۸ و ۲۲ آیین‌نامه) و از طرفی، شیوه و ضوابط انتقال، اعزام، بدرقه متهمان، تعیین محل نگاه‌داری متهمان در حوزه‌های قضایی و نیز تعیین ساعت‌ها، دفعات، نوع ملاقات و سایر ترتیبات قانونی هم به عهده‌ی سازمان واگذار شده است. (مواد ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۵ ... آیین‌نامه).

با وصف مقررات برشمرده و سخنان اخیر ریاست محترم قوه‌ی قضاییه مبنی بر لزوم تفکیک و جداسازی متهمان تحت قرار بازداشت

از زندانیان و در حد امکان استقرار این دسته از متهمان در مجاورت حوزه‌ها و مجتمع‌های قضایی، اینک لازم می‌آید جنبه‌های مختلف این طرح به همراه تنگناها، بگومگوها و ارزیابی نکات مثبت و منفی آن تحت بررسی و مطالعه قرار گیرد و در آخر، پیشنهادات و راهکارهای چندینی در این خصوص ارائه شود.

۲-۲- مشکلات و محدودیت‌های طرح

اعتقاد بر آن است که طرح مزبور از جنبه‌های گوناگون دارای موانع و محدودیت‌هایی می‌باشد که در پی به آنها اشاره می‌شود:

۲-۲-۱- تعارض با سیاست تمرکزگرایی و تشتت پراکندگی در امر مدیریت بازداشتگاه‌ها

ایجاد و استقرار بازداشتگاه‌های جدید در مجاورت مجتمع‌های قضایی با سیاست تمرکزگرایی سازمان زندان‌ها در تعارض می‌باشد و با وصف تشتت و پراکندگی بازداشتگاه‌ها عملاً فرآیند نظارت و اداره‌ی آنها را با مشکل روبه‌رو خواهد کرد. با این توضیح، که مطابق آیین‌نامه‌ی جدید سازمان زندان‌ها (ماده‌ی ۲۴) اعمال نظارت و بازرسی دائمی و مستمر و کسب اطلاعات لازم از وضعیت عمومی و فردی متهمان و حفاظت از زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها و مقابله با شورش‌ها و اقدام‌های مخل امنیت به عهده‌ی یگان حفاظت تحت نظارت و هدایت ریسان مراکز مزبور می‌باشد و چنین طرحی چه بسا این واحدها را با مشکلات زیادی رو به رو کند.

۲-۲-۲- تهدید امنیت عمومی

بخش عمده‌ای از مجتمع‌های قضایی و دادسرای عمومی و انقلاب در مراکز پر جمعیت و پرتراکم شهری استقرار یافته‌اند. تصور می‌رود ایجاد و راهاندازی چنین بازداشتگاه‌هایی در صورتی که تغییرات ساختاری و اساسی در فونداسیون آنها صورت نپذیرد، به نحو قابل توجهی موجبات سلب آسایش عمومی و کاهش احساس امنیت و اختلال در نظم و امنیت اجتماعی را فراهم آورد.

۲-۲-۳- افزایش هزینه‌ها

از جمله هدف‌های اساسی سیاست حبس‌زدایی و تعدیل جمعیت کیفری زندان‌ها، کاهش هزینه‌های مالی و انسانی سرسام‌آوری است که بر دولت و دستگاه عدالت قضایی تحمیل می‌شود. ایجاد مراکز مختلف و بازداشتگاه‌های متعدد علاوه بر آنکه از لحاظ مالی مقرون به صرفه نیست و نیازمند به کارگیری امکانات و تسهیلات ویژه با هدف تکرم و رعایت حرمت افراد تحت قرار و به علاوه تأمین بهینه‌ی نیازهای

بهداشتی، تغذیه و درمانی آنان می‌باشد، از نظر کیفیت انتظامات و حفاظت فیزیکی که جزو وظایف اصلی یگان انتظامی و نیروهای انتظامی سازمان زندان‌ها می‌باشد نیز (ماده‌ی ۲۳ آیین‌نامه‌ی جدید) چه بسا این سازمان را با کمبود نیروی انسانی و کارکنان مورد نیاز مواجه کند و به بروز مشکلاتی بکشد. زیرا مطابق ماده‌ی ۲۲ آیین‌نامه‌ی اجرایی جدید سازمان زندان‌ها، تأسیس، احداث و اداره‌ی کلیه‌ی بازداشتگاه‌ها و نیز تغییر محل آنها به طور انحصاری در اختیار سازمان می‌باشد و مراجع قضایی، اجرایی، اطلاعاتی، نظامی و انتظامی و... از داشتن زندان و بازداشتگاه‌های اختصاصی ممنوع می‌باشند.

از این حیث، به نظر می‌رسد اندیشه‌ی مزبور با لحاظ شرایط و مقررات موجود نه فقط وزن باری را از دوش نظام زندانبانی نمی‌کاهد، بلکه آن را مضاعف نیز می‌سازد؛ مگر آنکه تمهیدات خاصی در این خصوص اندیشیده شود و به معرض اجرا درآید.

۲-۲-۴- تبعیض و ابهام و مشکلات اجرایی

سوال اساسی این است که کدام دسته از متهمان تحت قرار بازداشت موقت مجاز به نگهداری در چنین مراکزی می‌باشند؟ ملاک و معیار دقیق برای شناسایی و تفکیک افراد و انتقال و اعزام آنان به چنین مراکزی کدام است؟ آیا نوع جرایم ارتكابی را باید معیار قرار دارد و یا ویژگی‌های فردی و اوصاف شخصیتی متهمان مناط اعتبار خواهد بود؟ طبعاً در اجرای چنین رسالتی قضات باید از اختیارات ویژه‌ی برخوردار باشند و از امکان پیشرفته‌ای نیز برای بررسی سریع وضعیت متهمان و در نتیجه تشخیص لزوم یا نفی لزوم استقرار آنها در این مراکز برخوردار باشند.

این امر به سهم خود شاید زمینه‌ساز نوعی احساس تبعیض و نابرابری بین متهمان و تغییر نگرش آنان نسبت به دستگاه عدالت قضایی شود و در عمل ماموران و متصدیان امر با مشکلات اجرایی چندی مواجه سازد.

۲-۲-۵- تعارض با هدف‌های کلان سیاست‌های قضایی

در موقعیتی که یکی از هدف‌های و آرمان‌های اصلی دستگاه عدالت قضایی مبارزه با زندان‌گرایی و ترویج سیاست‌های نوین حبس‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها می‌باشد؛ به نظر نمی‌رسد سیاست تأسیس و انبوه‌سازی مراکز بازداشتگاه‌ها و نگهداری متهمان تحت قرار، در عمل بهبود یا مساعدتی در تعدیل جمعیت زندان‌های کشور فراهم آورد و نمی‌شود که با پاک کردن صورت مسأله، واقعیت‌های موجود را نادیده پنداشت. اجرای چنین طرحی فقط بحث تفکیک را مطرح می‌کند و راهکار خاصی برای کاهش جمعیت کیفری و تعدیل هزینه‌های جاری ارایه نمی‌دهد به نظر می‌رسد سوال و کشمکش اصلی در این مقطع آن است که آیا بازداشت موقت امری لازم و ضروری است؟ اگر ضروری است، آیا راهکار یا روش دیگری برای تعدیل و مهار آن وجود ندارد؟ نتیجه‌ی سیاست استقرار مراکز جدید می‌تواند تنها محل زندانبانان و متهمان بازداشتی را مجزا سازد و فقط در جلوگیری از تکرار جرم آنان میسر باشد و از وجوه دیگر کماکان اشکال‌های سابق باقی می‌ماند.

۲-۳- مزایا و محاسن طرح

نزدیکی مراجع قضایی و محل بازداشتگاه‌ها می‌تواند مزایای چندی را نیز در بر داشته باشد:

۲-۳-۱- صرفه‌جویی و جلوگیری از تلف شدن وقت

دوری فاصله و بعد مسافت بین مراجع قضایی و بازداشتگاه‌ها نقش

مهمی را در اطاله جریان دادرسی و مشکلات مربوط به رفت و آمد و حضور متهمان تحت قرار بازداشت ایفا می‌نماید. از این رو، به نظر می‌رسد نزدیکی و مجاورت این مراجع و بازداشتگاه‌ها از بعد سهولت دسترسی به متهمان در مواقع قوری بودن و ضرورت شاید مفید باشد و از تجدید برگزاری جلسات دادرسی و یا تشکیل نشدن آنها به دلیل دوری مسافت و نبود امکان حضور به موقع متهم تا حدود زیادی بکاهد.

۲-۳-۲- جلوگیری از همنشینی و معاشرت با زندانبانان حرفه‌ای

این طرح اگر به نحو مطلوب و کارشناسانه‌ای اجرا شود، قادر خواهد بود یکی از هدف‌های مهم سیاست جنایی قضایی را که جلوگیری از تکرار مجدد بزه توسط متهمان معاشر و همنشین با محبوسان حرفه‌ای و سابقه‌دار است، تأمین کند. تجربه ثابت کرده است که بخش عمده‌ای از بزهکاری‌های جاری در جامعه به آن دسته از متهمانی مربوط است که برغم نداشتن سابقه‌ی محکومیت و اتفاقی بودن بزهکاری‌شان، بر اثر همنشینی و مؤانست با مجرمان و تبهکاران حرفه‌ای در زندان‌ها به سمت بزهکاری تکرار جرم سوق یافته و به محض ترخیص از زندان مرتکب جرایم شدید و بزرگی می‌شوند.

۲-۳-۳- حفظ حرمت و رعایت حقوق شهروندی

طرح مزبور به شرط آنکه سیاست‌های منعکس در قانون حقوق شهروندی مصوب ۸۳/۸۳۰ و برنامه‌های مقرر در ماده‌ی ۴۴ آیین‌نامه‌ی جدید سازمان زندان‌ها را مدنظر قرار دهد و برنامه‌های خاصی به منظور توسعه و ترویج مبانی و موازین حقوق شهروندی در بازداشتگاه‌ها و به علاوه رعایت موازین حقوق اسلامی و انسانی و تسهیل روند زندان‌زدایی تحت نظارت دفتر حمایت از حقوق شهروندی زندانبانان وابسته به سازمان زندان‌ها، تدارک ببیند، می‌تواند جوابگوی بخشی از نیازهای فعلی دستگاه عدالت قضایی باشد. توضیح آنکه از جمله وظایف مهم این دفتر بر اساس بند ۱ ماده‌ی ۴۴ عبارت است از مطالعه و بررسی موارد نقض حقوق شهروندی در زندان‌ها و به ویژه در بازداشتگاه‌ها و اعلام آن به ریاست سازمان.

۳-۱- الگوی پیشنهادی

با فرض ضرورت و اهمیت تأسیس و راه‌اندازی چنین بازداشتگاه‌هایی، توجه به نکات و پیشنهادات ذیل می‌تواند مفید فایده باشد:

۳-۱-۱- اصلاح قوانین دادرسی موجد بازداشت

یکی از علل مهم افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها، ترویج فرهنگ منفی بازداشت و حبس‌گرایی در قوانین دادرسی فعلی است. در این باره، قانون آیین دادرسی کیفری باید مورد بررسی و اصلاحات ویژه قرار بگیرد و با اجرای تحقیق‌های کیفر شناسانه به منظور روزآمد کردن مواد آن تلاش شود. آنگونه که ذکر شد، قانونگذار در پاره‌ای از مواد قانون فوق (مثلاً ماده ۲۵) قضات را مکلف به صدور قرار بازداشت کرده است و حتی پا را از این نیز فراتر گذاشته و اختیارات گسترده و موسعی را به آنان به منظور صدور قرار تأمین مورد نظر تفویض کرده (ماده‌ی ۳۲) و در مواردی بر ضرورت یا اختیار تجدید این قرارها تأکید ورزیده است.

نگارنده بر این باور است که باید برای ایجاد مراکز جدید گام نخست را در اصلاح مقررات دادرسی موجود برداشت و وضعی را فراهم کرد که ابتدا؛ صدور قرارهای بازداشت تحت ضوابط خاص درآید و جنبه‌ای کاملاً استثنایی داشته باشد در گام دوم؛ جایگزین‌های

مناسب‌تری برای قرار بازداشت پیش‌بینی شود و در مرحله‌ی سوم؛ در موارد نبود امکان تودیع وثیقه یا معرفی کفیل، زمان و فرصت کافی به متهمان داده شود و از بازداشت آنان اجتناب گردد.

۳-۲- تشکیل پرونده‌ی شخصیت

در طرح جدید بازپرسان و قضات دادگاه‌ها باید مکلف شوند که با توجه به نظریات جدید جرم‌شناسی و راهکارهای نوین کیفرشناسانه، شخصیت متهمان را به دقت مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند و با احراز روحیات فردی و اوصاف شخصیتی آنان، قرار مناسب صادر کنند، زیرا شخصیت برخی از افراد در حین بازجویی و تحقیقات، قاضی را در اجتناب از صدور قرار بازداشت و تبدیل آن به تأمین‌های دیگر تشویق می‌کند. در این زمینه، مرتکبان جرایم غیرعمدی، مدیونیت‌های مالی، متهمان فاقد سابقه‌ی کیفری، بزهکاران اتفاقی و تصادفی، زنان، افراد غیرخطرناک، مرتکبان جرایم عمده‌ی کوچک و کم‌اهمیت و افرادی که از جایگاه اجتماعی ویژه‌ای برخوردارند، در اولویت قرار گیرند و باید در طرح جاری تضمین‌ها و تدابیر جدیدی برای آنان لحاظ شود. متهمان حرفه‌ای و سابقه‌دار به لحاظ خطرناک بودن و اصلاح‌ناپذیری، باید از این مراکز بدور مانند و تحت برنامه‌های خاص بازپرورانه قرار گیرند.

۳-۳- رعایت حرمت و حقوق شهروندی

در طرح جاری، باید از بیشترین تسهیلات و امکانات لازم برای رعایت حرمت و حفظ حقوق شهروندی متهمان تحت قرار بازداشت استفاده کرد. در این باره، ایجاد ارتباط بین دفتر حمایت از حقوق شهروندی تحت نظر سازمان‌زندان‌ها و مراکز جدید، امری مطلوب است و در صورت نظارت دقیق و مستمر بر نحوه‌ی رفتار ناظران و ماموران بازداشتگاه با متهمان، نقش مهمی در افزایش اعتماد عمومی و گسترش روحیه‌ی تعامل و همکاری در میان متهمان و وابستگان آنان ایفا خواهد کرد.

۳-۴- تسهیل در ضوابط ملاقات

ملاقات متهمان مزبور با خانواده‌ها و بستگانشان باید طبق مقررات مشخص و معینی ضابطه‌مند شود. این متهمان باید بتوانند از این امکانات در هر موقعیتی به نحو مطلوب بهره‌مند شوند و حضور آنان در بازداشتگاه نباید مانعی در این باره باشد.

۳-۵- امکان استفاده از خدمات دفاعی

با وصف اهمیت موضوع و تعیین سرنوشت نهایی متهمان در این مرحله از دادرسی، باید زمینه‌ها و ابزارهای لازم به منظور امکان استفاده از خدمات وکیل مدافع برای متهمان مزبور مهیا شود.

۳-۶- نظارت و کسب اطلاع دقیق از وضعیت متهمان تحت بازداشت

در مورد متهمانی که بنا به هر دلیلی بازداشت می‌شوند، باید تلاش‌های ویژه‌ای در خصوص رعایت مدت اقامت آنان در بازداشتگاه صورت پذیرد و افرادی اعم از بازپرس، قضات و سایر ماموران مکلف شوند که به محض رفع علل بازداشت، آنان را آزاد و از قید بازداشت ترخیص کنند.

۳-۷- لزوم جبران خسارت و اعاده‌ی حیثیت

ضروری است تمهیدها و مقررات ویژه‌ای در خصوص جبران خسارات مادی و معنوی وارد بر متهمان بازداشتی که بی‌گناه شناخته می‌شوند، پیش‌بینی و به اجرا درآید. همچنین با پوزش‌خواهی رسمی از آنان، از هر نوع سرخوردگی، بدبینی و بی‌اعتمادیشان به عملکرد

دستگاه عدالت جلوگیری شود.

۳-۸- بهبود وضعیت تغذیه و بهداشت و درمان

خدمات تغذیه‌ای، بهداشتی و درمانی این دسته از متهمان باید به دقت مورد نظارت و ارزیابی قرار گیرد و از بروز هر نوع قصور و کوتاهی در این زمینه خودداری ورزید. به عبارتی، باید تسهیلات ویژه‌ای برای این دسته از متهمان باید پیش‌بینی شود.

۳-۹- تسهیلات رفاهی

باید تدابیری اندیشید که افراد تحت قرار بازداشت از تسهیلات رفاهی ویژه‌ای بهره‌مند شوند و آنان را از داشتن این تسهیلات نباید محروم کرد. از این رو، تأسیس کتابخانه، اتاق رایانه، اتاق مطالعه، سالن فیلم و ... ضروری می‌باشد.

۳-۱۰- پیش‌بینی حق اعتراض

باید زمینه‌ای مهیا شود که متهمان تحت قرار بازداشت به راحتی قادر باشند، مراتب اعتراض خود را به نظر دادگاه برسانند و از این حیث، نباید محدودیتی برای آنان در نظر گرفت.

۳-۱۱- تفکیک و طبقه‌بندی متهمان

تفکیک و طبقه‌بندی متهمان در بازداشتگاه‌ها باید بر حسب نوع جرایم ارتكابی، شدت آنها، خصوصیات جنسی، سنی و روحیات فردی و اوصاف اجتماعی و با بهره‌گیری از تجربیات متخصصان روان‌شناسی و جرم‌شناسی صورت پذیرد.

۳-۱۲- صدور قرارهای نظارت قضایی

صدور قرارهای نظارت قضایی که از تجربیات موفق قانون ۱۷ ژوئیه‌ی سال ۱۹۷۰ فرانسه است و عملاً دست قضات را در پیش‌بینی و صدور قرار مناسب برای متهمان بلز می‌گذارد، به روشنی باید مدنظر قرار گیرد. با وصف انتقادهای زیادی که بر بازداشت موقت وارد است، این شیوه می‌تواند به عنوان جایگزینی مهم مورد اجرا واقع شود.

۳-۱۳- کارکنان بازداشتگاه

در انتخاب کارکنان بازداشتگاه‌ها باید نهایت دقت و توجه را مبذول نمود. استفاده از روان‌شناسان، افراد تحصیلکرده و نیروهای با تجربه در این حوزه نه فقط مفید بلکه ضروری خواهد بود. از لحاظ طرز پوشش پیشنهاد آن است که افراد مزبور از نوعی پوشش ویژه که آنان را از حالت نظامی و انتظامی صرف خارج سازد، بهره‌مند شوند. همچنین آموزش‌های لازم در خصوص نحوه‌ی برخورد و رفتار با متهمان به آنان داده شود. به هر حال از دیر باز گفته‌اند در صورتی که نتوانیم با صدور سایر قرارها از توقیف متهمان جلوگیری کنیم و تنها طریق جلوگیری از فرار متهم یا امحای آثار جرم یا تبانی با شرکاء و معاونان جرم و شهود قضیه توقیف او باشد، آن زمان لازم است که قانونگذار هم خود را صرف بهبود رژیم توفیگاه احتیاطی و تفکیک آن از زندان اجرای احکام جزایی کند. با توجه به همین مسأله‌ی مهم است که «جان هوارد» انگلیسی که در قرن نوزدهم به مطالعه زندان‌های اروپا پرداخت، معتقد شد که می‌باید از متهمان در هتل‌های درجه ۳ نگهداری شوند نه در سایر زندان‌ها. به هر تقدیر، این پیشنهاد امروز تا حدی مورد قبول واقع شده است و در برخی از کشورها مانند هلند، فرانسه و آمریکا بعضاً تحت شرایط خاصی در موسساتی کاملاً مستقل از زندان، از متهمان تحت قرار محافظت به عمل می‌آید. امید که این سیاست در کشور عزیز ما نیز به شرط آنکه با تعجیل و شتابزدگی عمل نشود، به زودی استقرار و نهادینه شود و در ضمن عنوان بازداشتگاه نیز برداشته و اصطلاح تازه‌ای جایگزین آن شود.